

فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره پیاپی: نوزدهم - بهار ۱۳۹۳

از صفحه ۱۵۵ تا ۱۷۶

جلوه‌های ادب تعلیمی در مه‌بهاراتا*

دکتر نسرین مظفری

استادیار زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه علوم پزشکی - بوشهر - ایران

چکیده:

مه‌بهاراتا «حماسه‌ی بزرگ شبه قاره‌ی هند» اندیشه‌های بی‌بدیل فراوانی برای تعالی و کمال انسان به تاریخ بشری عرضه کرده است. مه‌بهاراتا بی‌تردید منشأ فیاض الهام از برای شاعران، قصه‌سرایان، نمایش‌نویسان، حکما، ژرف‌اندیشان و هنرمندان بوده است، گفته‌اند «ویاسا» (که بنا به سنت هندوها سراینده نامور این رساله است) کلیدی امور را در مه‌بهاراتا بررسی کرده و هیچ مطلبی در آفاق وانفس نمانده که وی بدان پرداخته باشد. مه‌بهاراتا «ودای پنجم» نام نهاده‌اند، زیرا کتابی است جامع جمیع صفات و مطلوب مذاق خاص و عام و هر طبقه‌ای از طبقات جامعه هندو به فراخور فهم و دانایی خویش از آن بهره‌مند گردیده، گرچه این کتاب جزو حماسه‌های بزرگ جهان است اما مشحون از پند و اندرز و ادب تعلیمی است، به گونه‌ای که به حماسه‌ی اخلاقی معروف شده است. در این پژوهش به معرفی مه‌بهاراتا و بیان جلوه‌های ادب تعلیمی آن پرداخته‌ایم.

واژگان کلیدی: مه‌بهاراتا، حماسه، ادب تعلیمی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱۴

mozafare@yahoo.com

پست الکترونیکی:

مقدمه

مهابهاراتا با یک صد هزار بیت از بزرگ‌ترین حماسه منظوم جهان است. «این کتاب را از نقطه نظر کمیت و بزرگی حجم و نیز از این رو که گنجینه پر ارج معارف و حکم و ادب هندو می‌باشد «مهابهارت» نامیده اند. بنابر مأخذ داستانی هندو «بهرت» اولین فرمان‌روای کشور بهارت (= هند) بود.» (جلالی نائینی، ۱۳۷۵: ۴۶۲)

شایگان در کتاب خود آورده است: «علت این که آن را «مها» یعنی بزرگ و «بهاراتا» یعنی هند می‌خوانند، این است که از لحاظ عالی بودن و ارزندگی مطلب و وقار و متانت و صفت هندی بودن هیچ یک از کتب کیش هندو را یارای برابری با آن نیست.» (شایگان، ۱۳۸۳، ج: ۱: ۲۳۷) کتاب مهابهاراتا در طول تاریخ به سه نام خوانده شده است: ۱- جیه^۱ (پیروزی)، ۲- بهارت^۲ یا بهارت سمهیتا^۳ (مجموعه مهابهارت)، ۳- مهابهارت^۴ که در بین ایرانیان به مهابهاراتا معروف است.

قدیمی‌ترین حماسه هند رامایانا است و حماسه مهابهاراتا پس از تدوین و تنظیم رامایانا به وجود آمده و جمع‌آوری شده است. در باب اهمیت و اعتبار مهابهاراتا، چنین آمده است: «در زمان گذشته خدایان در یک کفه ترازو مهابهارت و در کفه دیگر چهار کتاب بید را قرار دادند و سنجیدند و محتوای مهابهارت را از مجموع مندرجات چهار بید سنگین‌تر یافتند.» (جلالی نائینی، ۱۳۷۵: ۶۲۳) این منظومه به زبان سانسکریت با حجم در خور توجه، «اثری است ماندگار از فرهنگ برهمنی که احتمالاً دو هزار سال پیش سروده شده و حماسه و کتاب عظیمی از بنیادگذاری هند بزرگ و میراث زنده‌ای از سرتاسر آن سرزمین پهناور است.» (شالیان، ۱۳۸۵: ۱۵۸)

سی بل شاتوک نویسنده آمریکایی در کتاب دین هندو درباره‌ی مهابهاراتا نوشته است: «مهابهاراتا که تقریباً صد هزار بیت دارد، طویل‌ترین شعر حماسی دنیا محسوب می‌شود. این حماسه شامل انبوهی از افسانه‌های و دانستنی‌هاست که کلاً در داستانی واحد درباره‌ی

^۱ . Jaya

^۲ .Bharat

^۳ .Bharat- samhita

^۴ .Mahabarata

جنگی بر سر حکم‌فرمایی بر شمال هند با یکدیگر تلفیق شده‌اند.» (شاتوک ۱۳۸۲: ۶۲-۶۱) درباره‌ی شیوه‌ی نگارش کتاب گفته شده «شیوه نگارش آن یکدست نیست و معرف آن است که شاعران متعددی در تحریر آن دست داشته‌اند. زبان مه‌بهاراتا «سانسکریت کلاسیک» و حماسی می‌خوانند.» (شایگان، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۳۶)

مه‌بهاراتا بی‌تردید منشأ فیاض الهام هم از برای شاعران و قصه‌سرایان و نمایش‌نویسان هم حکما و ژرف‌اندیشان و هنرمندان بوده است، گفته‌اند «ویاسا» (که بنا به سنت هندو سراینده نامور این رساله است) کلیه‌ی امور را در مه‌بهاراتا بررسی کرده و مطلبی در آفاق و انفس نمانده که وی بدان نپرداخته باشد. مه‌بهاراتا «ودای پنجم» نام نهاده‌اند، زیرا کتابی است جامع جمیع صفات و مطلوب مذاق خاص و عام و هر طبقه‌ای از طبقات جامعه هندو به فراخور فهم و دانایی خویش از آن بهره‌مند گردیده است. (شایگان، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۳۷-۲۳۶) این که مه‌بهاراتا دقیقاً در چه زمانی سروده شده است مشخص نیست «تعیین تاریخ این دو رزم نامه (رامایانا و مه‌بهاراتا) دشوار است، زیرا که کار یک یا چند نویسنده نبوده، بلکه حاصل مجموع کوشش‌های شاعران نسل‌های بسیارند.» (ک. م. سن، ۱۳۷۵: ۹۱).

درباره محتوای مه‌بهاراتا در مقدمه آن چنین آمده است: «این کتاب تاریخ واقعی و سرگذشت شخصیت‌های حقیقی نیست. این منظومه داستان و داستان است و برای هندوان جنبه ادبی و ملی و مذهبی دارد و در حکم گنجینه تخیلات هندی می‌باشد. البته در لابلای این تخیلات و داستان‌ها حقایقی نیز نهفته است. لیکن چنان این حقایق با اساطیر و افسانه مخلوط و ممزوج می‌باشد که تفکیک حقیقت از افسانه دشوار و ممتنع می‌نماید. فکرهای پخته و افکار ناپخته و قصه‌های شیرین و حرف‌های با مغز و بی‌مغز و مطالب منطقی و خرافی و مسائل فلسفی و جدی و سخنان پیش‌پا افتاده در این کتاب به چشم می‌خورد و آنچه می‌خوانید تا حدودی اوضاع اجتماعی هندوستان قدیم را ترسیم می‌نماید و روی هم رفته می‌توان مه‌بهارت را «دایره المعارف هندو» خواند. زیرا محتوای کتاب تعلق به قرن‌های مختلف دارد و هر شاعر و نویسنده داستان سرای هندویی که در سرزمین پهناور هندوستان پیدا شده، فصلی و بخشی از تخیلات خود را برین کتاب افزوده است بی آن که روشن باشد گویندگان آن چه کسانی بوده‌اند.» (مه‌بهارت، ج ۱: ۴-۳) درباره ویژگی‌های این کتاب

نوشته شده «مهابهارت را خصائص گوناگون بسیار است و کتابی است جامع که به کلیه شئون فلسفی و اساطیری و اخلاقی کیش هندو احاطه دارد. از این رو آن را داستان، افسانه کهن، منظومه شرعیات، آیین سیاست، آیین شهریاری، اخلاقیات، آیین نجات و رستگاری، آیین مهروری و کام جویی می‌گویند.» (شایگان، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۳۷)

موضوع اصلی این منظومه جنگ است، اما در این کتاب «خواننده به داستان‌ها و داستان‌های قدیمی طرز آداب هندوان و مسائل مذهبی و اخلاقی و اجتماعی و سیاسی و پیدایی جهان و تقسیم جامعه هندو به چهار طبقه و نقش خدایان مختلف و تأثیر دعای برهمنان، آداب فرمان‌روایی و بیان تاریخ اساطیری و اعتقاد به تناسخ و چگونگی سنت‌های دینی و رسوم بر می‌خورد.» (مهابهارت، ج ۱: ۸-۷). سنت هندو درباره آن می‌گوید: «هر آنچه در این جا هست در جای دیگر نیز تواند بود، هر آنچه در این جا نیست در هیچ جا یافت نمی‌شود.» (شایگان، ۱۳۸۳: ج ۱: ۲۳۷) ویل دورانت می‌نویسد: «یک دانشمند هندو مهابهاراتا را عظیم‌ترین اثر تخیلی که در قاره آسیا پدید آمده می‌داند. هم چنین سر چارلز لیوت آن را شعری بزرگ‌تر از ایللیاد می‌شمارد.» (ویل دورانت ۱۳۳۷: ۷۹۲)

مهابهاراتا دارای هجده جزء بزرگ و یک جزء آخر «هاری و اشا» است که احتمالاً این جزء الحاقی است، هر کدام از این جزها به فصل‌های گوناگون بخش می‌شود و فصل‌ها به فصول کوچک‌تری تقسیم شده است.

ترجمه‌ی مهابهارت

اکبرشاه در سال ۹۹۰ هجری قمری دستور داد تا کتاب مهابهاراتا از زبان سانسکریت به زبان فارسی ترجمه کنند. بنابراین میرغیاث الدین علی از سادات سیفی حسینی قزوین، این کتاب را از زبان سانسکریت به فارسی ترجمه کرد. مترجم از خانواده علما بود و از علوم نقلی و عقلی بهره فراوانی داشت. «بنا بر نوشته صاحب مآثرالامراء، میرغیاث الدین علی، پسر میرعبدالطیف، به خیر سکالی و نیک ذاتی و قرب و دوام خدمت اکبری اختصاص داشت و همیشه منظور نظر «اکبر» بود ...» (جلالی نائینی: ۱۳۷۵: ۲۹) وی لقب نقیب خانی را از

^۱. Harivans'a

اکبر شاه دریافت کرد و در سال ۹۹۲ در مدت یکسال و نیم با همکاری چند تن از برهمنان مهابهارت را به زبان فارسی ترجمه کرد. وی در سال ۱۰۲۳ هجری قمری درگذشت.

وجه تمثیلی مهابهاراتا

مهابهاراتا تنها داستان جنگ بین دو خانواده نیست، در سنت هندو به ظاهر افسانه‌های کهن و اساطیر اکتفا نمی‌شود، بلکه به لایه‌های درونی آن بیشتر توجه می‌شود و همواره می‌کوشند تا به عمق و کنه مطالب پی ببرند «باید به خاطر سپرد که سنت هندو از افسانه‌های کهن و اساطیری خود فقط به یک تعبیر ظاهری و قشری اقتصار نمی‌کند و همواره می‌کوشد که از پس مظاهر به معقولات پی‌ببرد و مظاهر و نمود حقایق عالی‌تر بداند و این گرایش به تأویل در کلیه شئون معنوی هندو مشهود است. مهابهاراتا نیز که از لحاظ اعتبار و ارزش معنوی به «وادی پنجم» معروف شده به سان سایر آثار تمثیلی کیش هندو و در پس الفاظ و پیرایه‌های سخن آریایی مفاهیم عمیق و حقایق بلیغ گنجانده و خواسته است که مردمان از خواندن آن بهره‌ای مقبول مذاق خود تحصیل نمایند و عوام به زیبایی ظاهری آن اکتفا کنند و خواص از باطن آن متمتع گردند.» (شایگان، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۴۲-۲۴۱)

محقق معاصر هندی «سوتهانکار»^۱ پس از تحقیق در این حماسه بزرگ ابعاد سه گانه‌ای یافته که عبارت از:

- ۱- بعد ناسوتی
 - ۲- بعد اخلاقی
 - ۳- بعد مابعد الطبیعی
- ۱- بعد ناسوتی دنیوی همان هسته تاریخی این حماسه است که مربوط به کشمکش و جدال دو قوم کهن آریایی است.
- ۲- در بعد اخلاقی، این کشمکش شکل تمثیل و رمز به خود می‌گیرد و نبرد تاریخی مبدل به مبارزه خیر و شر می‌گردد، یعنی جنگ بین حق و ناحق و یا خوب و بد و در این کارزار دو قوم مجاهد مظاهر خدایان و اهریمنان هستند، فرجام کار پیروزی حق و عدالت است ...

^۱. Suthankar

۳- در بُعد مابعدالطبیعی که منزله از کشمکش خوب و بد و حق و ناحق است، میدان جنگ فقط در آفاق یعنی «میدان کوروکشتر» به وقوع نمی‌پیوندد، بلکه در انفس و اذهان نیز منعکس می‌شود. خیر و شر نماینده هویت روح یا نفس است و این نبرد را نوعی جهاد باطنی جهت بیداری و شکفتگی وجدان درون می‌پندارند.» (شایگان، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۴۲-۲۴۱)

اما صدیقی می‌گوید: «به نظر می‌رسد تأویل بالا با چارچوب این شیوه از بررسی متون همخوانی ندارد اگرچه اساس حماسه بر تضاد میان دو طرف است، اما در مهابهاراتا اساساً این دو طرف خوب و بد مطلق از آن دست که بتوان آنها را مظهر خدایان و اهریمنان دانست وجود ندارد. گروه بد و سپاه بدی به اندازه مظاهر خوبی و حتی بیشتر از آنان که پاندوان مظهر آنند، مورد لطف و توجه خدایان قرار می‌گیرد مهابهاراتا آنان را (کوروها) را بیشتر از سپاه نیکی در بهشت می‌نشانند.» (صدیقی، ۱۳۸۵: ۴۶)

با اندکی تأمل و تعمق در این حماسه می‌توان پی برد که جنگ بین این دو خانواده نه تنها نشان دهنده مبارزه غیر قابل اجتناب بشریت در جریان تحول طبیعت است، بلکه مظهر پیکار درونی هر فرد در خانواده بشریت هم می‌باشد.

جلوه‌های تعلیمی و دینی - اخلاقی مهابهاراتا

هر ملتی دارای دین و آیینی است که ممکن است در برخی موارد با ادیان دیگر اشتراکاتی داشته باشد و در مواردی نیز خیر، اما آنچه مسلم است، غایت همه برنامه‌های دینی و اخلاقی، انسان است اگر دینی وجود دارد برای انسان است، زیرا انسان به واسطه‌ی دین می‌خواهد به عالم بالا برسد، زیرا طالب حیات برتر است و این حیات متعالی با دین به دست می‌آید. انسان، آرمان‌های خود را در آن عالم بالا پیدا می‌کند، لذا نیاز به دست‌آویزهای دارد که او را به بالا برکشد، این جاست که جایگاه ادیان در زندگی انسان کاملاً برجسته می‌شود. آنچه در بیشتر ادیان پذیرفته شده دو بُعدی بودن انسان است: «مسأله اساسی برای ادیان مسأله ساحت‌های وجودی انسان است به طریقی که از یک سوی واقعیت عینی و مریی هستی او (تن) پذیرفته شود و از سوی دیگر دامنه هستی وی آن چنان امتداد یابد که از حدود بسته این زندگی فراتر رود و او ترکیبی شود بسیار پیچیده از آنچه

ظواهر هستی وی گواهی می‌دهند». (جلالی مقدم، ۱۳۸۴: ۷۱) با توجه به گفته‌ی پیشین این نتیجه به دست می‌آید که انسان موجودی دو بعدی است و اغلب ادیان آدمی را موجودی دوپاره می‌شناسند. پاره‌ای که جسم است و فناپذیر و پاره‌ای که نامیرا و پایدار است. پس بعد معنوی است که به واسطه دین می‌خواهد حیات پس از مرگ را برای خود مهیا سازد، این اتصال به حیات برتر توسط آموزه‌های دینی و اخلاقی میسر می‌شود. در این قسمت ما به بیان جلوه‌های تعلیمی و دینی - اخلاقی مه‌بهاراتا پرداخته‌ایم، ابعاد تعلیمی و دینی - اخلاقی شامل موارد بسیاری است که سعی کرده‌ایم شاخصه‌ها را بیان نماییم، این ابعاد عبارت است از اعتقاد به کيفر الهی، اعتقاد به مرگ، امیدواری، بخشندگی، بی‌آزاری، بی‌اعتباری دنیا و آزادی از تعلقات دنیوی، پرهیزکاری و پاک‌دامنی، دین‌داری، رازداری، راست‌گویی، صبر، عفو گذشت ...

اعتقاد به عالم دیگر

دین هندویی مانند تمام ادیان دیگر معتقد است که «زندگی بشر با مرگ جسمانی‌اش تمام نمی‌شود. روح فنا ناپذیر است حتی بعد از مرگ جسمانی او نیز به حیات خود ادامه می‌دهد». (تیواری، ۱۳۸۱: ۳۲) مه‌بهاراتا به دنیای بعد از مرگ بسیار تأکید می‌کند و معتقد است هر کس متناسب اعمالی که انجام داده است یا به بهشت می‌رود یا به دوزخ. «ورای این عالم عالمی دیگر است که آن را به زبان هندی پرلوک (عالم آینده - جهان دیگر) می‌گویند عالمی پاک که هر آرزویی که دل بکند آنجا می‌یابند و در آنجا همه هنرها و نیکویی‌هاست». (پیشین، ج ۳: ۲۲۳) رتال جامع علوم انسانی

«آدمی هر عملی که به جای آرد نیک باشد یا بد او به نتیجه اعمال می‌رسد چه هر که اعمال نیک کند او به مرگ می‌رود و کسی که مرتکب افعال قبیحه شود او به دوزخ می‌افتد». (پیشین، ج ۳: ۴۸۱)

الف) اعتقاد به بهشت

انسان مهابهاراتا به خوبی می‌داند که پاداش اعمال نیک بهشت است و پادافره بدی‌ها جهنم است؛ لذا سعی می‌کند برای رستگار شدن و به بهشت رسیدن به نیکی‌های خود بیفراید:

«مردم از عبادت به بهشت می‌روند و صاحب اوصاف حمیده می‌شوند و عمر دراز و دانش و عیش می‌یابند.» (پیشین، ج: ۴: ۴۸)

«هر کس که دوستدار جمیع جاندار باشد و به دست و پای آزار موری هم به کسی نرساند، نزد همه کس معتبر باشد و بعد از مردن به بهشت برود.» (پیشین، ج: ۴: ۱۶۷)

ب) اعتقاد به دوزخ

هم چنین در مهابهاراتا به دوزخ اشاره شده و آن را که جایگاه افراد ظالم و بدکار می‌داند و معتقد است دوزخپادافره هر گونه بدی و تعدی و ظلم است.

«کسی که خیانت بکند و اگر کسی او را امین دانسته چیزی به او بسپارد و هنگام طلبیدن انکار کند و بگوید تو به من چیزی نسپردی و دیگر کسی که به زور و تعدی از بنده‌های خدا چیزی بگیرد و به دیگر کسی که غمازی و چغلی می‌کرده باشد و به ظالمان بگوید که فلان کس چقدر زر و اسباب غیره دارد و ظالم آن را از او بگیرد. و دیگر کسی که به رعایا بد قولی کند ... این جماعت همه به دوزخ روند.» (پیشین، ج: ۴: ۲۱)

اعتقاد به کیفر و پاداش

مهابهاراتا بر آن اعتقاد است که انسان می‌تواند با اعمال صالحه مزد و اجر آن را دریافت کند و با عمل بد دچار زیان و خسران گردد و هر عملی کیفری و پاداشی به همراه خواهد داشت. به نظر انسان مهابهاراتا «هر کردار و گفتار و پندار واکنشی در بردارد یعنی به محض آن که فعلی را انجام دهیم تولید نیرو و تأثیری می‌کنیم که بر حسب آن که نیک یا بد خیر یا شر بوده باشد، ثمره خوب یا بد به بار می‌آورد، به سان دانه‌ای است که چون شرایط

ضروری حاصل شد می‌روید و رشد می‌کند و میوه خویش را به ثمر می‌رساند.» (شایگان، ۱۳۸۳: ج ۱: ۲۱)

«آدمی را کاری باید کرد که او را فایده بدهد و در دنیا و آخرت از او جدا نشود.» (مهابهاراتا، ج ۱: ۹۰)

«آدمی به هر نوع که عمل می‌کند همان نتیجه می‌یابد، اگر عمل نیک می‌کند، نیک می‌شود و اگر عمل بد کند، بد می‌شود.» (پیشین، ج ۳: ۱۷۳)

«هر کس به خلق بدی می‌رساند به غیر بدی جزا نمی‌یابد او در عین زندگی مرده است و از مرده به غیر از مرده متولد نشود و شقاوت نتیجه ضرر رسانیدن است به مردم.» (پیشین، ج ۳: ۲۰۰)

اعتقاد به مرگ

در کتاب مهابهاراتا به مسأله‌ی مرگ بسیار اشاره شده است و انسان هندو به مرگ بسیار معتقد است و خوب می‌داند که بقاء همیشگی نیست و روزی از این جهان خواهد رفت، و اجل به پیر و جوان رحم نمی‌کند، لذا تأکید می‌کند تا قبل از رسیدن اجل باید کارهای نیک انجام داد تا در چرخه نوزایی فرد دچار سرگردانی و حیرت نشود. مرگ امری محتوم است و غیرقابل پیش بینی.

«بر هیچ اعتمادی نیست و پیر و جوان نزدیک اجل یکسان است و هر چند در جوانی کار پیران کرده شود بهتر است...» (پیشین، ج ۳: ۱۷۳)

«مرگ همه کس را از مردم لاغر و فربه و دانشمند و جاهل و دلیر و بزدل و شاعر و بی‌خرد می‌برد و اجل و پیری محنت و بیماری هیچ کس را نمی‌گذارد.» (پیشین، ج ۳: ۳۷۷)

اعتدال و میانه روی در امور

میانه روی در امور یک اصل ضروری برای زندگی فردی و اجتماعی است. از موضوعاتی که مهابهاراتا بر آن تأکید می‌کند اعتدال و میانه روی در همه‌ی امور است:

«همه کس را می‌باید که اگر شادی بر ایشان رسد، خوش حال نشوند و اگر اندوه برسد غمگین نشوند، بلکه می‌باید که هر چه به ایشان برسد شکر خدا به جا آورند.» (پیشین، ج: ۱: ۹۰)

«کسی که خردمند است خیر و شر و دولت و نکبت و راحت و محنت و پیدایش و فنا خود را ملاحظه نموده نه خرم می‌شود و نه متألّم می‌گردد.» (پیشین، ج: ۳: ۲۹۴)

اغتنام فرصت

عمر آدمی چون رودی خروشان در گذر است خداوند متعال برای راحتی و آسایش انسان نعمت‌های فراوانی در اختیار او نهاده است که در این مدت کوتاه از آن استفاده نماید و بیهوده خود را در غم و غصه مستغرق نکند، غنیمت دانستن عمر و استفاده از آن مورد تأکید و توجه مهابهاراتا است:

«کاری می‌باید کرد که حکومت و سلطنت برائی و این عشرت را از دست ندهی و عمر را غنیمت دانسته و یک زمان بی ذوق تمتع نباشی.» (پیشین، ج: ۳: ۱۶۲)

«و تو را مناسب آن است که گذشته را به دل نرسانی و آینده را برآمدنش مانی و حال را دریایی و مغتمم دانی.» (پیشین، ج: ۳: ۲۹۴)

«هر کس غم می‌خورد نادان است و غم خود را زیاده می‌سازد.» (پیشین، ج: ۳: ۴۹۶)

امید و امیدواری

مهم‌ترین انگیزه برای زیستن داشتن امید و امیدواری است که انسان مهابهاراتا نیز به فضل خداوند امیدوار است و نا امید نمی‌شود و دست از تلاش بر نمی‌دارد:

«به آنچه گفتمی و می‌کنی امیدوار باش که در دنیا و آخرت خداوند تعالی تو را سر فراز گرداند.» (پیشین، ج: ۱: ۲۱۲)

«و کسانی که نهال امید ایشان بر نمی‌دهد و از کردار دانش بهره‌مند نمی‌شوند، دل‌های ایشان به مقام آرام نیست.» (پیشین، ج: ۲: ۵۵)

بخشش و کرم

بخشش و کرم معلول حس نوع دوستی و عدم تعلقات دنیوی است. یکی از ویژگی‌های بارز انسان‌های متعالی مه‌بهاراتا این روحیه‌ی بخشندگی است و خردمندان آن را نشانه‌ی جوانمردی می‌دانند، بخشش باعث آرامش خاطر بخشنده می‌شود، هم چنین باعث استحکام روابط افراد جامعه نیز می‌شود و دانایان مردم را به داشتن این خصلت تشویق می‌کنند:

«دانایان دشمنان را به صلح نمودن و به چیز دادن دوست می‌سازند.» (پیشین، ج ۲: ۴۲۸)

«انسان رستگار] هر چه ببخشد و بدهد از سر رغبت و شوق بدهد و بعد از بخشیدن

پشیمان نشود.» (پیشین، ج ۳: ۵۶)

- جای بخشندگان بهشت است:

«بهشت را برای سخی و بهادر تیار [آماده] کرده‌اند.» (پیشین، ج ۳: ۸۵)

- انسان بخشنده بهترین اشیاء را می‌بخشد:

«و هر چه در خانه بهترین اشیاء باشد و او را دوست می‌داری آن را به مردم خوب بده

که نتیجه بسیار خواهد داد.» (پیشین، ج ۴: ۵۲)

بی آزاری

یکی از راه‌های رستگاری که مه‌بهاراتا به انسان پیشنهاد می‌دهد کم آزاری، بی آزاری و عشق و محبت به دیگران است. در این طریق انسان می‌کوشد که هیچ گاه کینه و نفرت کسی یا چیزی در دل نگیرد، به همه چیز به دیده یک رنگی می‌نگرد و وجودش آکنده از مهربانی می‌شود و این مهربانی عاری از هر گونه ناخالصی و ریاست.

- بهترین عمل ترک آزار دیگران است:

«بزرگ‌ترین عبادت‌ها کم آزاری است و راستی و دوست همه خلق بودن و بر آرزوی دل

غالب آمدن.» (پیشین، ج ۴: ۱۶۰)

- آزار رساندن به دیگران انسان را دچار محنت می‌کند:

«هر کس خاطر مردمان می‌رنجانیده باشد، از او زبون تر کسی نمی‌باشد.» (پیشین، ج ۱: ۸۹)

پرهیزکاری و اخلاص

انسان مهابهاراتا برای رسیدن به رستگاری به صفاتی موصوف است، از جمله پرهیزکاری و اخلاص. انسان خود را از هر گونه پلیدی و معصیت باز می‌دارد و خود را با اعمال شایسته می‌آراید و در همه کارها وجود خویش را از بدی‌ها پاک می‌سازد و خالص می‌گردد:

«[انسان باید] در همه جا اخلاص خود را از دست ندهد.» (پیشین، ج: ۱، ۴۲۱)

«دیگر صفت [انسان] این است که دانا و پرهیزگار بوده و هر کاری که کند از سر دانش کند و فرموده خدای عز و جل را از نافرموده باز شناسد و از دنیا به قدر ضرورت کفایت کند.» (پیشین، ج: ۳، ۵۲)

پند پذیری

انسان مهابهاراتا به هر چیز به دیده‌ی عبرت می‌نگرد و پند دیگران را با گوش هوش می‌شنود و بدان عمل می‌نماید:

«اما سعادت‌مند آن کس است که خوش آمد را از بد آمد تمیز کند و به نصیحت کار کند.»

(پیشین، ج: ۳، ۸۱)

«و هر که اهل عالم را به مرگ و غم گرفتار و همه را در قید مرگ بیند او را از آن نظر عبرت حاصل شود و دیگر این مضمون را از دست ندهد او نیز به رستگاری نزدیک است.»

(پیشین، ج: ۳، ۴۱۸)

تأنی و درنگ در کارها

انسان ذاتاً عجول است. شاید ناشی از روح آشفته و روان متلاطم و سرگردان او برای رسیدن به اهدافش باشد. بر این اساس که کارهایی را که به گمان خود مفید می‌داند هدف قرار داده و با حرص و ولع برای رسیدن به آن تلاش می‌کند و این شتاب زدگی برای رسیدن به مطلوب گاه به زیان او تمام می‌شود و قدرت تحلیل و مطالعه و دقت در مطلوب را از او می‌گیرد و منجر به ناکامی وی می‌شود و سرانجام به پشیمانی و ندامت می‌کشد.

خواستهای مه‌بهاراتا از انسان این است که در تمام امور تأنی و درنگ داشته باشد تا به سر منزل مقصود برسد:

«کسی که در کارها تعجیل و سرعت نمی‌دارد و عادت بر لطافت مکث و اهمال را نمی‌گذارد عاقبت پشیمانی [به او] رو نمی‌آرد و می‌باید که آدمی فرو خوردن غصه شیوه خود سازد تا سپاه پر تباه پشیمانی بر او نتازد.» (پیشین، ج ۳: ۳۵۶)

«و نیز می‌باید که [انسان] در مجلس عالم و مردم بزرگ بسیار بنشیند و فعل نیکی را آهسته‌تر به جا آورد و اگر کسی از حقیقت نیکی استفسار نماید و دفعات به صورت سایل پیش آید، معلم را می‌باید که دفتر بیان آن را از بهر آن سایل مکرر بگشاید.» (پیشین)

تواضع و فروتنی

از دیگر آموزه‌های ابعاد اخلاقی تواضع و فروتنی انسان است که مه‌بهاراتا داشتن آن را تأکید می‌کند:

«با همه کس تواضع میکن و غضب را شعار خود نسازی و خود را از هیچ کس بهتر ندانی.» (پیشین، ج ۳: ۳۴)

«راه راستگاری آن است که انسان با کسی که تعظیم و تواضع می‌کند، باید از روی دل باشد و نفاق را مدخل نبود.» (پیشین، ج ۳: ۵۶)

حُسن خلق و نیک نفسی

حسن خلق و نیک نفسی با مردم نشانه خردمندی و سبب گسترش مهر و محبت عمومی افراد جامعه، نسبت به یکدیگر می‌شود، که در مه‌بهاراتا به این بعد انسانی نیز توجه شده است:

«نیک اندیشی و حسن خلق آن است که به دیدن دولت دیگران کسی شاد باشد نه آن که غمگین باشد و بر آنچه نصیبه اوست قانع شود و نیک نفس کسی است که چون یار و دولت و آشنای خود ببیند خوش حال شود و بگوید ای مهاراج! هر کس را که از او احسان به من رسد دولت او روز به روز افزون گردان!» (پیشین، ج ۳: ۱۰۸)

خویشتن داری

از دیگر وجوه تعلیمی مهابهاراتا خویشتن داری و کف نفس است، غلبه بر نفس و خواهش‌های نفسانی باعث رستگاری انسان است. لذا انسان عاقل و خردمند در همه جا سعی می‌کند خویشتن‌دار باشد و مغلوب و سوسه‌های نفسانی خود نشود:

«سرمایه جمیع طاعات و منشأ همه خیرات این است که کسی مالک عنان نفس باشد و حواس پنجگانه را در قید خود آورد تا نادیدنی نبیند و ناشنیدنی نشنود.» (پیشین، ج: ۳، ۱۵۴)

- انسان خویشتن‌دار صاحب علایم و نشانه‌هایی است:

«علامات صاحب این حالت (خویشتن‌دار) حلم و صبر و کم آزاری و راست‌گویی و راست‌کاری و نجابت و پرهیزکاری و رفق و مدارا و حیا و حسن خلق و فراخی حوصله و انصاف و تواضع و شکستگی و فراغ از رد و قبول خلق و تردد و تألف و طهارت و لطافت و عزلت و انقطاع و انتظار موت و بی‌تعیینی و نفع عام و شکوه و وقار و قناعت و عفو و رضا و تسلیم و خدمت استاد و شیرین‌زبانی.» (پیشین، ج: ۳، ۱۵۵)

دل به دست آوردن

یکی دیگر از ابعاد تعلیمی انسانی مهابهاراتا دل به دست آوردن مردم است و بهترین کاری که انسان می‌تواند در حق هم نوع خود انجام دهد، مهربانی و عطوفت است که با این صفات می‌توان به صید دل‌ها پرداخت و آنان را اسیر محبت خود ساخت:

«ای جدهشتر خلاصه سخن آن که هیچ چیز در عالم بهتر از این نیست که دلی به دست آری و راحتی محتاج و غریب و مسکین را فراهم سازی هر چند دستگاه بیشتر تحصیل، این ثواب آسان‌تر.» (پیشین، ج: ۳، ۶۳)

«ای راجه جدهشتر! ملک‌گیری و تسخیر اعداء و فتح کردن ایشان بر آن خوش است که چیز بدهند و ببخشند و دل دوستان به دست آرند و رعیت آسوده ماند.» (پیشین، ج: ۳، ۸۴)

سعی و تلاش

در همه جای مهابهاراتا روح سعی و تلاش در افراد و قهرمانان دمیده می‌شود و از انسان‌ها می‌خواهد که کاهلی و سستی را کنار نهند. انسان واقعی کسی است که کوشش و تلاش را شعار خویش سازد و تن آسانی نکند، زیرا لازمه‌ی رسیدن به مطلوب‌ها تلاش و همت است:

- با تلاش و همت می‌توان بر تمام مشکلات غلبه کرد:

«سپاهی را چیزی برابر همت بلند نیست. هر کس همت بلند دارد بر همه کس غالب

می‌شود.» (پیشین، ج: ۱: ۲۲۱)

- انسان عاقل هیچ گاه دست از تلاش بر نمی‌دارد:

«هر چند روزی مقدر است اما طلب و تردد شرط است.» (پیشین، ج: ۱: ۴۷۵)

«و مرد عاقل باید که گرم و سرد روزگار چشیده و صاف و درد و رنج راحت کشیده بود

و تن آسانی به خود راه ندهد.» (پیشین، ج: ۱: ۴۷۹)

توکل

مهابهاراتا به انسان تأکید می‌کند که در تمام کارها بر خداوند توکل کند و همه‌ی امور را

بدو بسپارد:

«آدمی که دربندی می‌افتد بهتر از این نیست که دل خود را به خدا نهد و کار خود را بدو

بسپارد تا وقتی که داند که او را از بلا خلاص سازد.» (پیشین، ج: ۱: ۳۷۴)

«همت از بزرگان بخواه و توکل بر خداوند تعالی کرده و متوجه دشمن شو.» (پیشین، ج: ۱:

۵۸۱)

«توکل تمام این است که اسباب به هم رساند، اما نظر به آن ندارد و هر چه بینداز مسبب

الاسباب بیند.» (پیشین، ج: ۳: ۸۳)

خدمت به والدین

از دیگر ویژگی‌های که در مهابهاراتا بدان تأکید شده است خدمت به والدین است، هر کس بتواند والدین را از خود خشنود سازد بی‌گمان راه کمال و رستگاری را طی می‌کند، در مهابهاراتا این گونه اشاره شده است: «بر سر آدمی برابر سایه مادر نیست و خدمت او سبب حصول مرتبه علیاست و هیچ نعمت در جهان محبوب‌تر و خوش‌تر از او نمی‌باشد.» (پیشین، ج ۳: ۳۵۴)

- بهترین عمل خیر، خدمت به والدین است:

«چند چیز در میان مردم هست که به آنها ثواب می‌یابند. اول آن است که خدمت پدر و مادر و حرمت بزرگان و استادان می‌دارند...» (پیشین، ج ۳: ۴۳)

«انقیاد امر والد بهترین اعمال گزیده است و تعرض نکردن به والده نیز از نیکی‌های پسندیده و فرمان‌برداری از پدر امری محتم و ترک طاعت او منکری است محکم.» (پیشین، ج ۳: ۳۵۴-۳۵۳)

- رضای والدین سبب خشنودی خداوند است:

«دیگر طاعتی که بر همه واجب است، خدمت مادر و پدر و تحصیل رضای ایشان است و مادر و پدر هر کس که خشنود از او از دنیا رفته‌اند او از همه پیشتر به بهشت می‌رود و گوی نیک‌نامی از این عالم می‌برد.» (پیشین، ج ۳: ۹۶)

- بدترین محنت و سختی عاق والدین است:

«سه کس در بهشت نیابند: یکی قاطع شجر، ذابح بقر سوم عاق والدین.» (پیشین، ج ۳: ۷۵)

خوش نیتی

از مضامین تعلیمی دیگر در مهابهاراتا نیت خوب داشتن است، خوش نیتی یکی از راه‌هایی است که انسان را به رستگاری می‌رساند.

- موفقیت در کارها به خوش نیتی وابسته است:

«چون عمل آدمی در زندگی سه چیز است اول صدق نیت، دوم مال و سوم آرزوی نفس ... سرمایه اعمال نیک پاک است که آن اصل همه طاعات است.» (پیشین، ج ۳: ۱۰۵)

«اصل همه ثواب‌ها نیت خیر و صلاح و طاعت داشتن است.» (پیشین، ج ۳: ۱۶۰)

- خوش نیتی باعث نیک‌نامی است:

«سرمایه مال و آرزو نیت خیر است پس به هر حال [انسان] نیت خیر را شعار و دثار سازد که به برکت این نیت هم مال از وجه حلال به طریق نیک‌نامی حاصل آید و خرج آن در مصرف نیک صرف شود، هم آرزوها چنان چنان بر آورده شود که باید و شاید.» (پیشین، ج ۳: ۱۶۰)

خیرات و صدقه دادن

یکی از مهم‌ترین وظیفه انسانی مهابهاراتا، دادن صدقه و خیرات است در مهابهاراتا بر خیرات دادن و صدقه بسیار تأکید شده است و انسانی دارای کمال است که این امر را جزء وظایف خویش بداند و بدان عمل کند.

- خیرات دادن بهترین عمل است:

«خیرات بهترین اعمال حسنه است و به مرتبه عالی می‌رساند و مستجاب الدعوات

می‌سازد.» (پیشین، ج ۴: ۱۴۶)

- صدقه دادن باعث دفع بلا و محنت می‌شود:

«صدقه دفع بلا می‌کند، پس می‌باید که به دل خوش و روی گشاده صدقه به مستحقان

خواه برهنه و خواه غیر برهنه بدهد.» (پیشین، ج ۳: ۳۰)

- صدقه را باید با گشاده‌رویی و صمیم دل داد:

«به مردم نیک تصدق دادن مستحسن است و رعایت وقت و محل و پاکیزگی مال و ترک

اغراض در اثنای تصدق شرط است و بعد از دادن اظهار آن نمی‌باید کرد و پشیمان نمی‌باید

شد.» (پیشین، ج ۳: ۴۵۶)

- خیرات باعث رفع گناهان می‌شود:

«هر روز این هر سه خیرات (طلا، گاو، زمین) به مردم خوب بده که از گناهان به سبب

دادن این خیرات خلاص خواهی شد و در این هیچ شک نیست.» (پیشین، ج ۳: ۵۲)

- بهترین خیرات هنگام تنگ‌دستی است:

«بهترین خیرات و انعام آن است که در تنگی و بی‌نوایی چیزی بدهد.» (پیشین، ج: ۳، ۳۷۱)

راستی و راست‌گویی

راستی و راست‌گویی از برجسته‌ترین صفات و کمالات انسان کامل مه‌بهاراتا است، چنین انسانی هیچ‌گاه سخن دروغ و سخن زشت بر زبان نمی‌آورد، حتی اگر با جاهلان و فرومایگان برخوردی داشته باشد با زبان خوش به آنان پاسخ می‌گوید.

- بزرگ‌ترین طاعت راستی است:

«و گفته‌اند هیچ طاعتی برابر راستی نیست و هیچ گناهی برابر دروغ گفتن نیست.» (پیشین،

ج: ۱، ۷۰)

«ه» هر کس راستی و نیک‌اندیشی را پیشه خود سازد او به مقصود می‌رسد.» (پیشین، ج: ۱،

۴۸۵)

«راست‌کاری نردبان رفتن به عالم بالاست.» (پیشین، ج: ۳، ۱۵۶)

- راستی زبون ساختن هوی و هوس است:

«خلاصه بید راستی است و خلاصه راستی، زبون ساختن حواس و خلاصه او خلاصی از

عالم و این سخن قرار جمیع بزرگان است.» (پیشین، ج: ۳، ۴۳۵)

صبر و شکیبایی

صبر و شکیبایی از دیگر وجوه تعلیمی مه‌بهاراتا است، چرا که صبر و تحمل از ارکان دین هندو است. شکی نیست در رهگذر زمان رویدادهای ناگواری برای انسان پیش می‌آید و چه بسا این اتفاقات باعث شکست و ناامیدی انسان شود و تنها نیرویی که می‌تواند این ناکامی‌ها را خنثی سازد همین نیروی صبر و تحمل است.

- صبوری بهترین طاعت است و دارای ثواب بسیار است:

«هیچ طاعتی بهتر از این نیست که به مردانگی و صبر در میدان کشته شود.» (پیشین، ج: ۳،

۸۴)

- نزدیک‌ترین راه به خدا صبوری است:

«نزدیک‌ترین راه به خداوند تحمل و صبوری است و هیچ چیز بهتر از صبر و تحمل نیست.» (پیشین، ج ۱: ۲۸۵)

- اجر صبر، بهشت است:

«اگر صبر خواهی کرد، اجر آن را از خدا و بهشت جاودان خواهی یافت.» (پیشین، ج ۳:

۴۷۸)

- کسی که صبور است، قدرتش افزون می‌شود:

«کسی که صاحب صبر است، قالب او ناتوان نمی‌گردد و او را مرض عارض نمی‌شود.»

(پیشین، ج ۳: ۲۹۱)

عدم تعلقات دنیوی و بی‌اعتباری دنیا

از دیگر ابعاد تعلیمی مهابهاراتا بی‌اعتباری دنیا است و تأکید می‌کند که انسان نباید به

تعلقات دنیوی دل ببندد:

«مال چیزی است که آفت بسیار دارد. آب آن را غرق می‌کند و آتش می‌سوزاند و حاکم

به زور می‌گیرد و دزد می‌برد و خویشان و دوستان به جهت آن با یکدیگر دشمن جانی

می‌شوند و پیدا کردن آن به کمال محنت و صد خون جگر و جان‌کندن است و به یک

لحظه از دست می‌رود.» (پیشین، ج ۱: ۲۶۸)

«چند چیز است که ثبات و دوام ندارد و البته زوال می‌یابد، جوانی و حسن و عمر و مال

و جاه و حکومت و صحبت یاران موافق.» (پیشین، ج ۱: ۲۸۵)

- انسان رستگار به مال دنیا فریفته نمی‌شود:

« به حشم و لشکر و اموال و اسباب دنیوی مغرور مشو.» (پیشین، ج ۱: ۵۰۳)

عزت و آزادگی

انسانی که آزاده است دارای کرامت انسانی است. شاخص‌ترین ویژگی انسان آزاده،

آزادگی و عزت او و تسلیم نشدن در برابر هر گونه ذلت و خواری و عصیان‌گری در برابر

غارت و ظلم ظالمان و ایستادگی و مقاومت مقابل هر جوروری است. در مهابهاراتا انسانی

شایسته‌ی ستایش است که عزت نفس داشته باشد و آزادگی و رهایی شعار او باشد و تن به ظلم و جور ندهد.

«به پیش کس سر فرو نیارم و نه کسی را به خود سر فرو آوردن گذارم.» (پیشین، ج: ۱: ۱۲۷)

«یا به مردانگی کشته شو به بهشت برو یا جنگ کن تا فتح نمایی.» (پیشین، ج: ۲: ۴۶۳)

«به بهشت به واسطه راستی گفتار و کردار توان رسید و عیش نیکو در تواضع خلق

است.» (پیشین، ج: ۱: ۴۱۶)

«[انسان] می‌باید که همیشه راست و محبت آمیز سخن بگوید، هر کس با این روش

سخن بگوید به طناب سخن گرفتار نشود.» (پیشین، ج: ۴: ۱۶۵)

- با گفتار نیک می‌توان گرفتاری‌ها را از بین برد:

«مردمی که درشت و شیرراند در دل ایشان هم سخنان نرم و خلق آمیز تأثیر می‌کند.»

(پیشین، ج: ۴: ۱۴۸)

«از سخنان نرم هر مشکلی که باشد آسان گردد.» (پیشین، ج: ۴: ۱۴۹)

«هر که در صله رحم و شد عمر وی افزون می‌گردد و بلاها از او دفع می‌شود و در میان

مردم به خیر و طاعت و نیک‌نامی مشهور می‌گردد.» (پیشین، ج: ۳: ۹۶)

«و کسی که عیال را و مهمان خود را و خدمتکاران خود را خوردنی داده، خود می‌خورد

او گویا آب حیات می‌خورد.» (پیشین، ج: ۳: ۲۸۱ - ۲۸۰)

«و کسانی که مهمان را دوست دارند و ایشان را خدمت و رعایت کنند ... بهشتی‌اند.»

(پیشین، ج: ۴: ۲۱)

نیک‌نامی

در مهابهاراتا تأکید کسب نام نیک است و انسان تلاش می‌کند با نیکی و نیکوکاری گوی

سبقت را در نیک‌نامی از دیگران برآید. انسان مهابهاراتا با انجام اعمال نیک و شایسته به

دنبال نام نیک است.

«به نام نیک مردن هزار مرتبه بهتر از زندگانی در عجز و خواری.» (پیشین، ج: ۱: ۵۱۸)

«و آن کسی که همتش همه این باشد که مال و جان خود را طفیل دیگران دانسته، نفع به مردم می‌رساند هر چند مرگ به افواج خود که انواع امراض و عقوبت‌هاست بیاید و خواهد که بر او حمله کند کاری نمی‌تواند کرد و بر آن کس دست نمی‌تواند یافت چه او بیشتر از مرگ مرده است و زنده و جاوید گشته.» (پیشین، ج ۳: ۱۸۲)

وفاداری

انسان کامل، از پیمان شکنی و بی‌وفایی سخت پرهیز می‌کند، چرا که پیمان شکنی گناهی بس عظیم است و در قاموس انسان‌های نیکوکار جایی ندارد. در تمام ادبیات جهان وفای به عهد جزو اصول اخلاقی و آیین جوانمردی است و رعایت این اصل باعث استحکام ارتباط اجتماعی افراد در جامعه می‌شود. انسان مهابهاراتا نیز خود را متعهد به این اصل می‌داند و از خلف وعده پرهیز می‌کند:

«اما وعده‌ای که می‌کنی می‌باید که به وفا رسد و خلاف نشود.» (پیشین، ج ۱: ۴۶۵)

نتیجه

مهابهاراتا آینه‌ی تمام‌نمای دین هندو است، کتابی جامع که به کلیه‌ی مسایل اساطیری، فلسفی و اخلاقی دین هندو اشاره دارد مهابهاراتا انسان را بالاترین مخلوق عالم می‌داند و برای رسیدن به تکامل راه‌هایی را نشان می‌دهد. انسان را به اعتدال در امور، احترام به والدین، اغتنام فرصت، تواضع و فروتنی، رازداری و ... فرا می‌خواند. مهابهاراتا مشحون از ادب تعلیمی است و اعتقاد دارد اگر انسان می‌خواهد به رستگاری جاوید یا نیروانا برسد باید به تمام مسایل اخلاقی و دینی پای بند باشد و آن‌ها را سرلوحه‌ی زندگی خود قرار دهد.

منابع و مأخذ

۱. تیواری، کدرنات، ۱۳۸۱، دین شناسی تطبیقی (ترجمه مرضیه شنکایی) تهران: سمت.
۲. جلالی مقدم، مسعود، ۱۳۸۴، کرانه‌های هستی انسان در پنج افق مقدس، تهران: امیر کبیر.
۳. جلالی نائینی، محمدرضا، ۱۳۷۵، هند در یک نگاه، تهران: شیرازه.
۴. دورانت، ویل، ۱۳۳۷، تاریخ تمدن (مشرق زمین، گاهواره تمدن) ترجمه مهرداد مهرین، تهران: اقبال.
۵. سن، ک.م، ۱۳۷۵، هندویسیم (ترجمه ع. پاشایی) تهران: فکروز.
۶. شاتوک، سی بل، ۱۳۸۲، دین هندو، (ترجمه حسن افشار) تهران: مرکز.
۷. شالیان، ژرار، ۱۳۸۵، گنجینه حماسی‌های جهان (ترجمه علی اصغر بیدی) تهران: چشمه.
۸. شایگان، داریوش، ۱۳۸۳، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، دو جلدی، تهران: امیرکبیر.
۹. صدیقی، علیرضا، ۱۳۸۵، مقایسه حماسه ایران و هند با تکیه بر شاه‌نامه و مهاربهاراتا پایان نامه دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۰. _____، ۱۳۸۰، مهابهارت، به اهتمام محمدرضا جلالی نائینی، چهارجلد، تهران: طهوری.

